

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۹۰، ۱۶۳-۱۳۵

امکان‌سنجی ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی

دکتر سعید وثوقی* تاج‌محمد شاه‌منصوری**

محمود شاهسواری*** عماد رایان‌پور****

پذیرش: ۹۰/۳/۲۸

دریافت: ۸۸/۱/۲۵

ترتیبات تجاری منطقه‌ای / ایران / کشورهای منطقه آسیای مرکزی / جهانی‌شدن / داده‌های

تابلویی

چکیده

با توجه به هدف سازمان کنفرانس اسلامی درخصوص ایجاد بازار مشترک میان کشورهای اسلامی و با هدف تسریع ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای منتج به بازار مشترک اسلامی، در بدو امر، کشورهای مختلف اسلامی با توجه به مناطق واقع شده در قالب پنج گروه تقسیم‌بندی شده‌اند. در این میان به دلیل وجود جنبه‌های هم‌تکمیلی اقتصادی بین ایران و کشورهای واقع در آسیای مرکزی، هدف این مقاله بررسی ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و کشورهای واقع در این منطقه است. روش مطالعه با استفاده از مدل جاذبه به روش داده‌های تابلویی با در نظر گرفتن متغیرهای هفتگانه جمعیت، فاصله جغرافیایی، درجه باز یا بسته بودن اقتصاد، تولید ناخالص داخلی، حجم تجارت دوجانبه، سطح درآمد سرانه و

sabansco@yahoo.com

shahmansoori82@yahoo.com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان.

*** عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

**** عضو هیأت علمی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

■ تاج‌محمد شاه‌منصوری، مسئول مکاتبات.

شاخص لیندر برای داده‌های تابلویی شش کشور ایران و منطقه آسیای مرکزی تخمین دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۸ است. در پایان، رگرسیون کلی متغیرها نشانگر وجود پتانسیل تجاری مناسب برای شروع مذاکرات ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای است؛ لذا پیشنهاد می‌شود مذاکرات مربوط به ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به صورت مجزا شروع شود زیرا کسب موافقت دو یا سه کشور کافی است تا با مدیریت مناسب فرصت‌ها در چارچوب قراردادهای منعقد شده برای ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای نظر مساعد سایر کشورهای منطقه در میان مدت و درازمدت نیز جلب شود. در این زمینه ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان پیشنهاد می‌شوند.

طبقه‌بندی JEL: F13, F14, A11.

مقدمه

جهانی شدن تجلی این برداشت متداول و رایج است که جهان به سرعت با نیروهای اقتصادی و تکنولوژی به یک فضای اجتماعی مشترک و واحد تبدیل می‌شود و رویدادهای واقع در یک منطقه از جهان پیامدهای مهمی برای اقبال زندگی افراد و جوامع دیگر سوی جهان دارد.^۱ بدون اغراق باید گفت جهانی شدن اقتصاد مهم‌ترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد دیروز و امروز جهان و یکی از مهم‌ترین تحولات اواخر قرن بیستم است که ارتباط و وابستگی متقابل اقتصادها و بازارهای مالی را افزایش داده است. جهانی شدن اقتصاد به معنای گشودن مرزها، توسعه تجارت، گسترش روزافزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی و سرعت بخشیدن به تحولات تکنولوژیکی است. در راستای پدیده جهانی شدن و به موازات آن منطقه‌گرایی و همگرایی‌های تجاری - اقتصادی افزایش یافته، به طوری که در دهه ۹۰ موج جدیدی از منطقه‌گرایی شکل گرفت که از آن به عنوان موج دوم یاد می‌کنند. برخی جهانی شدن اقتصاد را فراتر از مرحله گذرا و موقتی می‌دانند، برخی دیگر آن را تبلور رشد اندیشه‌های سرمایه‌داری غرب و نوسازی تلقی می‌کنند و گروه دیگری به آن به چشم یک تحول اساسی در سیاست جهانی و همگرایی اقتصاد جهانی می‌نگرند.^۲

در حال، جهانی شدن اقتصاد و تأثیر ابعاد آن بر شئون مختلف زندگی مردم در کشورهای در حال توسعه موضوعی غیرقابل چشم‌پوشی است. پیامدهای این تأثیر در ابعاد گوناگون روابط و مناسبات اجتماعی به وضوح مشاهده می‌شود. جهانی شدن را می‌توان تهدیدی برای ایجاد هرگونه ترتیبات تجاری میان کشورهای اسلامی قلمداد کرد، زیرا اکثر کشورهای اسلامی دغدغه حفظ و تأکید بر هویت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود در برابر تحولات مختلف و به خصوص مهم‌ترین تحول دهه‌های اخیر یعنی جهانی شدن را دارند.^۳

از آنجا که همکاری‌های منطقه‌ای نسبت به اقتصاد جهانی ابعاد کوچک‌تری دارد، لذا شرکت‌کنندگان آن با مشکلات اقتصادی و تجاری کمتری مواجه‌اند. هم‌اکنون کشورهای

۱. صدوقی (۱۳۸۰:۱۳).

۲. آذربایجانی و کریمی هسینجه (۱۳۸۲: ۵۵).

در حال توسعه به سه دلیل به منطقه گرایی روی آورده‌اند: اول این که از اقتصاد خود در برابر مشکلات جهانی محافظت کنند، دوم مزیت‌های نسبی و رقابتی‌شان را افزایش دهند و نهایتاً خود را برای ورود به اقتصاد جهانی آماده کنند. بر این اساس، با توجه به نیاز عمومی کشورهای جهان به همراهی با فرایند اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن و با هدف بهره‌برداری از فرصت‌های آن، اکثر این کشورها به راه‌های مختلف منطقه گرایی و سطوح مختلف هم‌پیوندی اقتصادی رو آورده‌اند.

ایران و همچنین کشورهای در حال توسعه منطقه آسیای مرکزی از جمله کشورهایایی هستند که از این تحولات بی‌اثر نمانده و شکل جدیدی از مناسبات اقتصادی و مالی جهانی را تجربه می‌کنند. کشورهای منطقه آسیای مرکزی و ایران به دلیل داشتن جنبه‌های هم‌تکمیلی اقتصادی از شرایط و تشابه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی برخوردارند. این منطقه در روندهای نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل اهمیت بسیاری دارد که با توجه به نزدیکی جغرافیایی ایران به این منطقه و اهمیت بالای این منطقه در معادلات اقتصادی - سیاسی جهان و همچنین پتانسیل‌های گوناگون همکاری و نقشی که ایران در رفع موانع همکاری در این منطقه ایفا می‌کند، در این مقاله ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و پنج کشور منطقه بررسی می‌شود.

۱. شرایط و اهمیت اقتصادی آسیای مرکزی

در مورد اهمیت سیاسی - اقتصادی منطقه آسیای مرکزی باید گفت تحولات نظام بین‌المللی در دهه ۹۰ و همچنین تحولاتی که جامعه جهانی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تجربه کرد اهمیت استراتژیک نوینی به منطقه آسیای مرکزی بخشید. پنج کشور این منطقه با کسب استقلال سیاسی و خروج از انزوای جغرافیایی و ژئوپولیتیک توانستند از یک سو با اتکا به منابع سرشار انرژی خود و از سوی دیگر با استفاده از جایگاه ویژه‌ای که همانند پل ارتباطی میان روسیه و غرب دارند، نقش مهمی در روابط بین‌المللی برعهده بگیرند. وضعیت امنیتی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان

مستقیماً بر امنیت روسیه، چین، ایران و دیگر کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد.^۱ به همین جهت باید گفت یکی از مهم‌ترین مسائل آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای منطقه، وجود شرایط امن برای رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی است؛ اما این شرایط نه تنها فراهم نشده است بلکه با رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نیز منطقه‌ای برای کنترل بر منابع انرژی این منطقه همراه بوده است. این موضوع یکی از مهم‌ترین بخش‌های بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی است و زمینه‌های گسترده‌ای مانند قدرت، نفوذ، امنیت، ثروت را در برمی‌گیرد. همچنین این مسائل باعث بروز تنش‌های درون‌منطقه‌ای، عدم ثبات سیاسی، رقابت شدید میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است.^۲

از لحاظ ساختار اقتصادی، آسیای مرکزی منابع طبیعی انرژی (نفت و گاز)، اورانیوم و فلزات گرانبها و شرایط مناسب برای کشت پنبه و سایر محصولات کشاورزی دارد.^۳ در کنار قابلیت‌های ذکر شده این منطقه با مشکلاتی نظیر عدم دسترسی به دریای آزاد، زیربنای توسعه نیافته حمل و نقل، و کالاهای تولیدی معطوف به صادرات، وجود اقتصاد و تجارت غیررسمی و قوی‌تر از تجارت و اقتصاد رسمی^۴، مهاجرت وسیع نیروی کار^۵ روبه‌رو است. تجارت مواد مخدر و بالطبع کاهش توانایی دولت در عرصه تنظیم بازار، شکاف فزاینده بین مردم و نخبگان، عدم اعتماد مردم به حکومت و مردم، رادیکال شدن مخالفان سیاسی^۶، تعرفه‌های بالا، فساد و زیربنای غیرسودمند حمل و نقل از جمله مواردی است که همکاری‌های منطقه‌ای را در سطحی نامطلوب و نادرست قرار داده. لازم به ذکر است سازمان کشورهای آسیای مرکزی، ایجاد بازار مشترک آسیای مرکزی را هدف بلندمدت خود قرار داده بود اما با تلفیق آن با سازمان همکاری‌های اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۰۵ عملاً اقدامات انجام‌شده ناقص ماند.

به نظر می‌رسد عدم سازگاری اهداف سیاسی با نیازهای اقتصادی، عدم وجود فضای

1. Dittmer (2007:17).

2. Forsythe (1996:6).

۳. تیوشو (۱۳۸۸:۲۸).

4. Byrd & Raiser (2006:3).

5. Marat (2009:7).

۶. ابوالوردی (۱:۱۳۸۷).

باز برای گردش آزادانه کالا، سرمایه و نیروی کار و ناهمگونی امکانات اقتصادی و مالی و پیشرفت صنعتی کشورهای آسیای مرکزی همراه با اختلافات مرزی و رقابت‌های منطقه‌ای برای تفوق بر دیگران، از جمله موانع مهم در مسیر همکاری‌ها است. این عوامل با ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش چشمگیر فساد و رشوه‌خواری و.... همراه شده و رشد مورد انتظار همکاری‌ها و مناسبات این کشورها ممانعت می‌کند. منابع آب و انرژی، مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته از جمله مهم‌ترین زمینه‌های تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی به‌شمار می‌آیند؛ علاوه بر آنچه ذکر شد، در مورد اهمیت این منطقه می‌توان به‌طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

الف) منابع نفت و گاز: این منطقه به لحاظ منابع انرژی (نفت و گاز) اهمیت بسیاری دارد که یکی از دلایل عمده و اساسی توجه بازیگران جهانی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) به آن است. هرچند این منابع تنها ۳ درصد منابع نفت دنیا را تشکیل می‌دهند و از لحاظ هزینه‌های سنگین اکتشاف، توسعه و حمل و نقل به بازارهای جهانی به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه و رقابت با منابع نفتی حوزه خلیج فارس نیستند، اما این منطقه (شرق دریای خزر) می‌تواند در آینده در تأمین نفت جهان نقشی حمایت‌کننده و تعیین‌کننده ایفا کند.^۱ کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر منابع نفت و گاز با داشتن منابع عظیم ذغال‌سنگ، اورانیوم، فلزات آهنی و غیر آهنی و استعدادهای کشاورزی، بازارهای رو به رشدی دارند ولی به لحاظ کمبود منابع مالی، توان بهره‌برداری از آن را ندارند.^۲

ب) مسیرهای خطوط لوله انتقال انرژی (نفت و گاز) آسیای مرکزی: این منطقه از لحاظ جغرافیایی در احداث خطوط لوله به‌سمت شرق و غرب اهمیت زیادی دارد. این مورد از این نظر برای جمهوری اسلامی ایران مهم است که لوله‌های انتقال انرژی باعث ارتباط خط لوله‌های کوچک در منطقه خواهد شد که در آماده‌سازی

۱. بهمن (۱۳۸۸): ۱.

۲. شمس (۱۳۸۸): ۲.

۳. علیپور (۲۰۱۳۸۸): ۲.

زمینه مناسب برای عملیات انتقال انرژی تولیدشده به خارج از منطقه، نقش دارد. شبکه‌های انتقال انرژی را می‌توان با شبکه اینترنت مقایسه کرد، زیرا این شبکه (اینترنت) فاصله‌های زمانی انتقال اطلاعات را از میان برده و تغییرات عمیق و ژرفی در ارزش‌های ملی و منطقه‌ای ایجاد کرده است. این موضوع در مورد مسیرهای خطوط لوله نیز صادق است؛ زیرا لوله‌های انتقال، نقاط بسیاری را در موقعیت‌های جغرافیایی گوناگون با حلقه‌هایی از مناطق اقتصادی مشترک پیوند می‌دهد و این موضوع باعث ورود این مناطق به جایگاه استراتژیکی مشترک می‌شود. انتخاب هر مسیر خواه‌ناخواه پیامدهای مهم مالی و سیاسی دارد؛ زیرا کشورهایی که لوله‌های نفت از آن‌ها عبور خواهد کرد از محل حق ترانزیت، درآمدهای کلانی به دست می‌آورند. خطوط لوله به معنی دسترسی به نفت یا گاز طبیعی هم هست. بنابراین ساخت لوله و عملیات مربوط به آن به معنی اشتغال‌زایی و پشتیبانی از زیربنای کشور است که برای اقتصاد محلی بسیار مهم است. در نهایت، لوله‌های ترانزیتی به عنوان اهرم فشار یا نفوذ بر جریان نفت، در دست کشورهایی خواهد بود که لوله‌ها از آن‌ها می‌گذرد.

ج) بازارهای منطقه: وجود بازارهای مصرف این منطقه، عاملی در گرایش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ بیشتر در منطقه است. ایران می‌تواند به روش‌های مختلف از بازارهای مصرف منطقه با سیاست‌های کارآمد اقتصادی بهره‌گیرد و در تأمین نیازمندی‌های اقتصادی آن‌ها نقش اساسی و موثری داشته باشد.

د) مسیرهای حمل‌ونقل: یکی از مسائل مهم در جمهوری‌های آسیای مرکزی، بحث راه‌ها و حتی بن‌بست بودن آن‌ها به دلیل محصوربودن این ناحیه در خشکی است. جمهوری اسلامی ایران با احداث خطوط ریلی جدید نقش بسزایی در امر ترانزیت کالا و خدمات متقابل با این جمهوری‌ها ایفا کرده است. بنابراین، علی‌رغم مخالفت‌های مختلف و بی‌شماری که از سوی رقبای ایران صورت می‌گیرد بر هیچ کس پوشیده نیست که مسیر ترانزیتی ایران، از لحاظ اقتصادی مسیری به صرفه و

ایمن برای دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و گرم و صادرات انرژی و کالاهای‌شان به بازارهای جهانی است.

هـ) وجوه مشترک فرهنگی، مذهبی و تاریخی: این عوامل در پیوستگی فرهنگی و اجتماعی ایران و منطقه آسیای مرکزی بسیار مهم است و در بعد اقتصادی بسترساز محسوب می‌شود.^۱

مجموعه این شرایط گریزناپذیر، کشورهای آسیای مرکزی را ترغیب و وادار به حرکت به سمت همکاری و همگرایی بیشتر با یکدیگر و کشورهای همسایه کرده است. اعلامیه‌های رهبران کشورهای آسیای مرکزی نشان می‌دهد که آن‌ها نیز با توجه به منافع منطقه‌گرایی اقتصادی این روند را دنبال می‌کنند. بیش از یک دهه است که ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای برای بهره‌مندی اعضای آن، در میان کشورهای این منطقه مورد توجه قرار گرفته است. از جمله نشانه‌های تمایل کشورهای این منطقه می‌توان به فراخوان کشور قرقیزستان برای تشکیل بازار مشترک اشاره کرد. از نظر کارشناسان اقتصادی، اقتصاد آسیای مرکزی در صورتی رشد می‌یابد که بین کشورهای این منطقه یک بازار مشترک تشکیل شود، زیرا اقتصاد این کشورها جنبه‌های هم‌تکمیلی مناسبی دارد.^۲

در گذشته ضعف زیربنای اقتصادی و ساختاری کشورهای آسیای مرکزی و عدم تجربه کافی در مشارکت با یکدیگر سبب عدم وابستگی متقابل می‌شد؛ اما امروزه با توجه به پتانسیل بالای تجارت در آسیای مرکزی و عضویت این کشورها در سازمان اکو مهم‌تر و بهتر از گوام^۳ و حتی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تشخیص داده شده است.^۴ این موضوع موجبات رغبت بیشتر کشورهای آسیای مرکزی را برای ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای با ایران فراهم می‌آورد؛ لذا ایجاد شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای علاوه بر آن که گامی اساسی در ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و رفع نیازمندی‌های متقابل اعضا است، مبادلات تجاری در درون منطقه و کشورهای دیگر را نیز توسعه می‌دهد.^۵

۱. علیپور (۱۳۸۸:۴).

2. Schriek (2002:1).

3. Guam.

4. Pomfret (1999:1).

۵. کولایی و مؤدب (۱۳۸۶:۶۱).

۲. پیشینه تحقیق

براساس هدف این مقاله می‌توان گفت مفهوم "منطقه"، عنصر کلیدی در تعریف مفهوم منطقه‌گرایی و یکپارچگی منطقه‌ای است، لذا روشن شدن این مفهوم ضروری است. از منطقه به‌عنوان گروهی از کشورها یاد می‌شود که در یک چارچوب حقوقی و به‌صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی با یکدیگر همکاری کرده و به تدریج همکاری‌هایشان را گسترش و تکامل داده و توسعه می‌بخشند.^۱ برای این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها به‌صورت محدود و موقت با یکدیگر انجام می‌دهند از دامنه شمول مفهوم منطقه‌گرایی خارج می‌شود. منطقه‌گرایی اقتصادی را تمایل گروهی از کشورها در یک محدوده جغرافیایی مشخص برای همگرایی اقتصادی بین خود تعریف کرده‌اند که از اولین نشانه‌های آن انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی و رشد تجارت و سرمایه‌گذاری‌های فی‌مابین و درنهایت تشکیل یک بلوک اقتصادی است.^۲

آذربایجانی و حسین کریمی هسنیجه (۱۳۸۲)، شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به شرح زیر عنوان کرده‌اند:

۱) **موقعیت جغرافیایی:** غالب ترتیبات تجاری منطقه‌ای که در دنیا شکل گرفته در واحدهای جغرافیایی پیوسته‌ای واقع شده‌اند. نزدیکی و پیوستگی جغرافیایی از عوامل و شرایط آسان‌کننده ترتیبات تجاری - منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. عوامل جغرافیایی به‌طور معکوس بر جریان‌ات تجاری دوجانبه موثر واقع می‌شود.^۳

نزدیکی جغرافیایی باعث می‌شود مبادلات اقتصادی بین کشورهای عضو یک ترتیب تجاری - منطقه‌ای آسان‌تر و ارزان‌تر انجام شود.^۴ این متغیر در واقع برای نشان دادن نزدیکی و هزینه‌های حمل‌ونقل و انتقال است و بیان می‌کند که تجارت با کشورهای دورتر هزینه‌های حمل‌ونقل بیشتری را می‌طلبد.

۲) **جمعیت:** این متغیر بیان‌کننده اندازه کشور بوده و اندازه بازار در یک کشور را

۱. بروجردی (۱۳۸۶): ۱.

۲. بزرگی و حسینی (۱۳۸۵): ۱۱۱.

۳. آذربایجانی و کریمی (۱۳۸۲): ۲۳۹.

۴. حسینی، (۱۳۸۶): ۱۹.

نشان می‌دهد. این متغیر همچنین می‌تواند موجب صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس جغرافیایی شود و در نتیجه جریان‌های تجاری دوجانبه را متأثر کند^۱.

۳) ساختار اقتصادی: این متغیر دربردارنده حجم تولید کل یک منطقه و ساختار اقتصادی کشورهای آن است و در کنار عامل جمعیتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اهمیت و وزن یک منطقه در مناسبات با دیگر ترتیبات تجاری منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. تفاوت اندازه اقتصاد کشورهای عضو در میزان سهم تجارت از کل اقتصاد هر یک از آن‌ها و همچنین تعرفه در درآمدهای دولت مؤثر است^۲. به‌طور کلی ساختار اقتصادی به‌عنوان شاخص بیان‌کننده مزیت نسبی یا موجودی عوامل تولید است. این متغیر با این مشخصه توان و ظرفیت تولید را افزایش داده و منحنی امکانات تولید را به‌سمت بالا حرکت می‌دهد و از این جهت کاملاً بر جریان‌های تجاری دوجانبه مؤثر است^۳.

۴) تولید ناخالص داخلی: این متغیر بیانگر اندازه اقتصاد بوده و توان تولید یک اقتصاد را نشان می‌دهد. همچنین یکی از عوامل مؤثر بر جریان‌های تجاری دوجانبه است^۴.

۵) تولید ناخالص داخلی سرانه: این متغیر نشانگر تشابه اقتصادی میان کشورهاست که به‌عنوان بهترین معیار تشابه اقتصادی طرح شده است. از طرف دیگر، این متغیر بر جریان‌های تجاری دوجانبه مؤثر است، زیرا شباهت بیشتر میان کشورها، آن‌ها را به تجارت بیشتر فرامی‌خواند^۵.

۶) مشارکت‌های فرهنگی: این متغیر بیانگر مشارکت‌ها و تشابه‌های فرهنگی است که بر جریان‌های تجاری دوجانبه تأثیر مثبت دارد^۶.

به‌طور کلی ترتیبات تجاری منطقه‌ای به دو روش در افزایش سطح رفاه جامعه موثرند:

۱. آذربایجانی و کریمی هسنیجه (۱۳۸۲:۲۳۸).

۲. حسینی (۱۳۸۶:۲۱).

۳. آذربایجانی و کریمی هسنیجه (۱۳۸۲:۲۳۸).

۴. پیشین (۱۳۸۲:۲۳۸).

۵. پیشین (۱۳۸۲:۲۳۸).

۶. پیشین (۱۳۸۲:۲۳۸-۲۳۹).

۱) **رفاه استاتیک**؛ عبارت است از گسترش تجارت منهای مقدار انحرافی که به دلیل وضع قوانین مربوط به ترتیبات تجاری در تجارت ایجاد می‌شود. زمانی تجارت گسترش می‌یابد که تولید داخلی با واردات ارزان‌تر و کارا تر تولیدکنندگان دیگر در اتحادیه گمرکی جانشین شود؛ در این حالت، رفاه کلی جامعه افزایش می‌یابد. همچنین انحراف تجارت زمانی ایجاد می‌شود که واردات ارزان کشوری خارج از اتحادیه با واردات گران‌تر تولیدکننده دیگر در بازار مشترک جانشین شود. در این حالت سطح رفاه جامعه تنزل پیدا می‌کند.

۲) **رفاه دینامیک**؛ بدین صورت است که اقتصادی شدن، حجم بازار را افزایش داده و باعث رقابت بیشتر و سطح بالاتر سرمایه‌گذاری می‌شود.^۳

۳. مزایای ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای

تجربه‌های موجود در مورد اشکال مختلف ترتیبات تجاری منطقه‌ای، چه در میان کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه، نشان می‌دهد این گونه اتحادها با تخصیص شدن بیشتر تولید و استفاده از بازار در مقیاس وسیع‌تر، حجم تجارت میان اعضا را دربرمی‌گیرد.^۴

به‌طور کلی مزایای ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱) برای صنایع تازه تأسیس کشورها (صنایع نوپا) امکان استفاده از بازار به مقیاس وسیع فراهم می‌شود. در واقع می‌توان شکل پیشرفته ترتیبات تجاری منطقه‌ای را مکانیسمی برای تقسیم کار منطقی میان کشورها به حساب آورد.

۲) امکان برنامه‌ریزی‌ای هماهنگ فراهم می‌شود که به‌نوبه خود از تکرار کار و اتلاف منابع جلوگیری می‌کند (ادغام و شراکت در سرمایه‌گذاری، پروژه‌های مشترک بخش‌های خصوصی و دولتی).

1. Static Welfare.

2. Dynamic Wellfar

۳. حقی (۱۳۶۷: ۹۰-۸۶)

۳. شهابی (۱۳۶۷: ۱۵۶-۱۵۵).

۴. حقی، (۱۳۶۷: ۹۸-۹۴).

۳) از دیگر آثار ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای، ایجاد تجارت است؛ در نتیجه کشورهای عضو از تولید یک کالا با هزینه‌های بالا که در تک‌تک‌شان باید تولید شود اجتناب کرده و از کشوری که هزینه تولیدش کمتر است، خرید می‌کنند. این گرایش به سمت تولید با هزینه کمتر که در اثر برداشتن حقوق گمرکی ایجاد می‌شود به ایجاد تجارت معروف است.

۴) اثر دیگر شکل‌های پیشرفته ترتیبات تجاری منطقه‌ای کاهش انحراف تجارت است؛ یعنی در اثر وضع عوارض گمرکی مشترک علیه کشورهای غیرعضو بیشتر مسیر حجم تجارت به سمت کشورهای عضو متمایل شده و از میزان حجم تجارت با کشورهای خارج از اتحادیه (که اصطلاحاً انحراف تجارت نامیده می‌شود) کاسته خواهد شد.

۵) همچنین در ترتیبات تجاری منطقه‌ای از جریان‌ات تولید و عرضه و مصرف در کشورهای عضو حمایت می‌شود. برخی از اثرات این حمایت عبارت‌اند از:

- کاهش وابستگی به خارج، به‌ویژه در مورد کالاهای استراتژیک (گندم، صنایع اساسی و...).
- حفظ صنایع نوپا و جوان حداقل تا زمانی که بتوانند روی پای خود بایستند.
- کاهش بیکاری.
- جبران هزینه‌های تولید پایین‌تر که به علت‌های گوناگون در سایر کشورها وجود دارد.
- جلوگیری از دامپینگ.
- افزایش تنوع تولیدات.
- اصلاح تراز پرداخت‌ها.
- بالا بردن امکان پرداخت دستمزد بیشتر.

۴. مطالعات وابسته به یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای اسلامی

بزرگی و حسینی (۱۳۸۵) در تحقیقی مشترک تحت عنوان «امکان‌سنجی تشکیل هسته

مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی کارآمد در سازمان کنفرانس اسلامی»، ادبیات موجود درباره چشم‌انداز یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای اسلامی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند.

(۱) آثاری که کلاً امکان یکپارچگی یا هم‌پیوندی اقتصادی بین کشورهای اسلامی را رد می‌کنند: مانند مقاله «آت، بلوط و السلام»^۱

(۲) آثاری که هرچند امکان یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای اسلامی را تأیید می‌کنند ولی عمدتاً کل کشورهای اسلامی را در نظر می‌گیرند: مثل مقاله‌های ابوترابیان^۲، هاشمیان^۳، مرزوقی^۴، حسن^۵، هاشمیان و حسن‌پور^۶ و خورشیدی^۷.

(۳) آثاری که براساس معیار خاصی، یکپارچگی اقتصادی بین تعدادی از کشورها را میسر می‌دانند؛ مثل مقاله‌های یزدان‌پناه و کریمی^۸، خیابانی، رحمانی و رازینی^۹ و متوالی^{۱۰}. بررسی آثار و دیدگاه‌های مذکور نشان می‌دهد که به‌طور کلی امکان ایجاد و شکل‌گیری نوع خاصی از ترتیبات تجاری بین کشورهای اسلامی بر مبنای معیارهایی مانند درجه تکمیل‌کنندگی اقتصادی، توانایی ایجاد تنوع در صادرات و نزدیکی جغرافیایی مبنای شناسایی اعضای مناسب برای تشکیل هسته مرکزی اولیه برای یکپارچگی اقتصادی قرار گرفته است. بر این اساس و با توجه به تقسیم‌بندی کشورهای اسلامی به مناطق جغرافیایی مشخص، این پژوهش به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها و اصول شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی است.

۱. دانشگاه قطر و سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۰۲؛ صص ۴۲-۳.

۲. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹؛ صص ۴۴-۲۹.

۳. صص ۲۱۴-۱۵۵.

۴. همان، صص ۳۱۰-۲۵۱.

۵. دانشگاه قطر و سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۰۲؛ صص ۷۸-۴۴.

۶. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و بانک توسعه اسلامی، ۱۳۷۹؛ صص ۳۶-۱.

۷. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹؛ صص ۸۱-۶۷.

۸. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹؛ صص ۴۵-۶۶.

۹. همان، صص ۲۱۵-۲۲۲.

۱۰. دانشگاه قطر و سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۰۲، صص ۸۳-۱۰۴.

۵. شرایط لازم برای موفقیت ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی

حداقل شرایط لازم برای موفقیت ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی عبارت است از:

- (۱) محدوده جغرافیایی مشخص.
- (۲) ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو.
- (۳) انگیزه سیاسی لازم و تمایل به تفویض بعضی اختیارات به یک سازمان فراگیر.
- (۴) دارا بودن حداقل امکانات زیربنایی.
- (۵) قبول زمان لازم برای به ثمر رسیدن این گونه فعالیت‌ها.
- (۶) وجود وجوه مشترک اجتماعی و سیاسی.
- (۷) وجود حداقل انگیزه اقتصادی^۱.

در راستای دستیابی به هدف غایی بازار مشترک باید در مراحل نخست موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای حداقل در هر کدام از مناطق پنج‌گانه تشکیل شود تا زمینه‌های تشکیل بازار مشترک به شکل فراگیر در تداوم این مرحله و با توسعه تجارت درون‌گروهی در هر کدام از مناطق موردنظر فراهم شود.

۶. روش شناسی

الف) معرفی الگوی جاذبه

از نقطه‌نظر روش شناسی، الگوی جاذبه میزان جذب فاصله‌ای بین دو یا چند ماده را شرح می‌دهد. نظریه جاذبه کلاسیک در فیزیک، نیروی جاذبه α_{ij} بین دو ماده i و j را متناسب با وزن آن‌ها و معکوس با مجذور فاصله d_{ij}^2 بین این دو ماده بیان می‌کند:

$$\alpha_{ij} = \gamma m_i m_j d_{ij}^{-2} \quad (1)$$

که γ یک عامل ثابت است.

در اواسط قرن نوزدهم اچ. کری^۱ به موضوعیت تئوری جاذبه در پدیده‌های اجتماعی اشاره کرد و بعدها از این تئوری برای تحلیل‌های مربوط به مهاجرت و مراجعه مشتریان به فروشگاه‌های بزرگ، ترافیک جاده‌ها و ... استفاده شد.

با الهام از اندیشه جاذبه نیوتن، برای برآورد جریان‌های تجاری بین‌الملل از مدل‌های جاذبه استفاده شده است. در ساده‌ترین حالت وقتی هیچ مانع و تشویقی وجود ندارد، جریان‌های تجاری دوطرفه را می‌توان با استفاده از این مدل به صورت تابعی مستقیم از اندازه اقتصادی دو کشور و تابعی معکوس از فاصله جغرافیایی بین دو کشور در نظر گرفت:

$$T_{ij} = \hat{0}(GDP_j, GDP_i, D_{ij}) \quad (2)$$

که در آن جریان تجاری از کشور i به j برابر است با T_{ij} همچنین GDP_j و GDP_i به ترتیب نشان‌دهنده اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده و D_{ij} معرف فاصله جغرافیایی بین آن‌ها است. این معادله به صورت حاصل ضرب بوده و برای سهولت برآورد با لگاریتم‌گیری به حالت خطی تبدیل می‌شود. در ابتدا این مدل‌ها برای داده‌های مقطعی چند کشور یا داده‌های سری‌زمانی یک کشور به کار می‌رفتند. این شکل برآورد مدل محدودیت‌های آشکار و ضمنی زیادی را بر تصریح مدل سبب می‌شد. از جمله این‌که نتایج اریب‌دار می‌شدند زیرا در چنین برآوردهایی تعدادی متغیرهای حذف‌شده وجود دارند و یا تعدادی از متغیرها عملاً در نظر گرفته نمی‌شوند. همچنین ناهمگنی بین کشورها مدنظر قرار نمی‌گیرد. در سال‌های اخیر برای رفع این مشکلات از روش برآورد داده‌های گروهی برای تخمین مدل‌های جاذبه استفاده می‌شود. این روش اثرات ناهمگنی و انفرادی مربوط به کشورها را لحاظ می‌کند و اثرات زمان نیز در چارچوب آن قابل بررسی است. در روش داده‌های گروهی، کارایی بهتر شده و قدرت توضیح‌دهندگی مدل نیز بالا می‌رود.

ب) چارچوب تجربی

تصریح مدل‌های جاذبه برای ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی به شکل مدل‌های زیر است:

مدل اول (۱)

$$Lx_{ijt} = A_{ij} + B_1 LGDP_{it} + B_2 LGDP_{jt} + B_3 LPOP_{it} + B_4 LPOP_{jt} + B_5 LOPEN_{it} + B_6 LOPEN_{jt} + B_7 IC_{ijt} + U_{ijt}$$

مدل دوم (۲)

$$IC_{ijt} = a_{ij} + y_1 LGDP_{it} + y_2 LGDP_{jt} + y_3 POP_{it} + y_4 POP_{jt} + y_5 LX_{ijt} + y_6 LOPEN_{jt} + y_7 LDIS_{ijt} + V_{ijt}$$

در معادله اول «L» نشان دهنده لگاریتم در پایه طبیعی و X_{ijt} نشان دهنده جریان تجاری بین کشور i و j در طول دوره زمانی t است. α_{ij} نشانگر عرض از مبدأهایی است که برای هر یک از جفت شرکای تجاری معین بوده به گونه ای که $\alpha_{ji} \neq \alpha_{ij}$ می باشد. GDP_j و GDP_i به ترتیب تولید ناخالص داخلی کشور i و j و POP_j و POP_i جمعیت کشورهای i و j و L را نشان می دهد. بر اساس مطالعات پیشین، انتظار می رود که β_1 دارای علامت مثبت باشد، زیرا سطح بالاتر درآمد در کشور صادر کننده قابلیت تولید و صدور کالا و خدمات توسط آن کشور را افزایش می دهد. همچنین به دلیل تقاضای واردات از جانب کشور وارد کننده انتظار می رود سطح بالاتر درآمد کشور وارد کننده اثر مثبتی روی جریان تجاری بگذارد و از این روی β_2 هم مثبت باشد. ضرایب جمعیت در مطالعات مختلف علائم متفاوتی دارند و اثر آن نامعین است.

متغیر $OPEN_{ijt}$ نشان دهنده درجه باز بودن اقتصاد کشور وارد کننده است و انتظار می رود تأثیر این متغیر بر افزایش جریان های تجاری مثبت باشد؛ زیرا هرچه اقتصاد کشوری از درجه باز بودن بیشتری برخوردار باشد، تجارت اهمیت بالاتری دارد. متغیر IC ، در این تحقیق برابر با متغیر Linder است و مشابهت دو کشور صادر کننده و وارد کننده را نشان می دهد و در واقع بیان کننده تئوری تجارت لیندر است. طبق این تئوری، کشورهای مشابه نسبت به کشورهای غیر مشابه تمایل بیشتری به تجارت با یکدیگر دارند، بدین معنا که هرچه شکاف در ساختار اقتصادی کشورها و شاخص اقتصادی آنها بیشتر شود، جریان تجاری آنها اثر معکوس می پذیرد. مناسب ترین متغیر برای نشان دادن مشابهت اقتصادی بین هر یک جفت از کشورها درآمد سرانه است. این متغیر به صورت زیر محاسبه می شود:

$$IC=Linder=In \left(\left(\frac{GDP_i}{POP_i} \right) - \left(\frac{GDP_j}{POP_j} \right) \right)^2 \quad (3)$$

و انتظار می‌رود علامت آن منفی باشد. U_{ijt} جمله اخلاص مدل است که دارای میانگین صفر و واریانس مشخص در هر دوره زمانی است. در معادله دوم نیز «L» نشان‌دهنده لگاریتم در پایه طبیعی و IC_{ijt} نشان‌دهنده همگرایی درآمدی است. و همچنین انتظار می‌رود که علامت X_{ijt} منفی باشد، یعنی با گسترش جریان‌های تجاری شکاف درآمدی بین دو شریک تجاری کاهش یابد.

ج) منابع آماری متغیرها

داده‌های مقطعی و سری زمانی متغیرهای الگو برای ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی مربوط به سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ است. برای استخراج داده‌های آماری جمعیت و تولید ناخالص داخلی از سایت www.ddp.ext.worldbank.org، فاصله جغرافیایی کشورها از سایت www.timeanddate.com و حجم تجارت دو جانبه کشورها از منبع International Monetary Fund: Direction of Trade Statistics Yearbook, (2005&2007) استفاده شده است. محاسبه، پالایش و برآورد داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای Excel و Stata بوده است.

۸. برآورد الگو: تخمین مدل‌های جاذبه به روش داده‌های تابلویی

۸-۱. تخمین مدل اول

برای انتخاب این که در تخمین مدل اول از روش ترکیبی^۱ یا داده‌های تابلویی استفاده شود، از آزمون F لیمر استفاده شده است. همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد مقدار آماره F لیمر، ۲۶/۰۰ و احتمال آن صفر به دست آمده که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر این که داده‌ها به صورت ترکیبی هستند به نفع فرضیه مقابل یعنی وجود قابلیت در روش داده‌های تابلویی رد می‌شود.

همچنین، برای تشخیص این که در برآورد داده‌های تابلویی از روش اثر ثابت یا اثر تصادفی استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده شده و مقدار این آماره $26/00$ با احتمال صفر به دست آمده است، لذا فرضیه صفر مبنی بر انتخاب روش اثر تصادفی رد می‌شود.

جدول ۱- نتایج برآورد مدل اول به روش اثرات ثابت

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
constant	۶۷۰۹۹/۱۷	۳۲۶,۷۵,۹۷	۲/۰۵	۰/۰۴۱
lgdpi	-۰/۲۹۲۵۷۹۲	۰/۱۴۷۰۹۷۵	-۱/۹۹	۰/۰۴۸
lgdpj	۱/۱۳۷۲۲۴	۰/۱۶۴۷۳۷۸	۶/۹۰	۰/۰۰۰
lpopi	-۹/۹۵۳۳۲۷	۲/۲۲۹۰۴	-۴/۴۷	۰/۰۰۰
lpopj	۷/۹۲۱۵۱	۲/۱۸۸۶۳۱	۳/۶۲	۰/۰۰۰
lopenjt	۰/۷۱۹۸۰۵۸	۰/۰۵۴۷۲۱۵	۱۳/۱۵	۰/۰۰۰
Linder	۰/۰۳۷۹۸۸	۰/۰۳۱۹۷۳۸	۱/۱۹	۰/۲۳۶
disij	-۹۶۴۰/۰۵۱	۴۶۹۴/۸۵۴	۰/۰۴۱	-۱۸۸۸۹/۸۴

$F(7,233) = 37.20$ Prob > F = 0.0000 $F_{leamar}(29,233) = 26.35$ Prob > F = 0.0000
R2 = 0.52

منبع: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

نتایج برآورد مدل اول به روش اثرات ثابت در جدول (۱) آمده است. مقدار عددی نتایج $F(7,233) = (37/2)$ با احتمال صفر نشان‌دهنده معناداری رگرسیون است. نتایج تخمین نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی کشور صادرکننده، علامت منفی داشته و از نظر آماری در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد معنادار است و بنابراین انتظارات توریک را تأیید نمی‌کند، به گونه‌ای که ۱ درصد افزایش در GDP_j حجم جریان‌های تجاری را به میزان $0/29$ - درصد کاهش می‌دهد. تولید ناخالص داخلی کشور واردکننده، علامت مثبت داشته و از نظر آماری در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد معنادار است که این موافق با انتظارات توریکی است، به گونه‌ای که ۱ درصد افزایش در GDP_j حجم جریان‌های تجاری را به میزان $1/137000$ درصد افزایش می‌دهد. به دلیل تقاضای واردات از طرف کشور واردکننده، سطح بالاتر درآمد آن اثر مثبتی بر جریان تجاری می‌گذارد. ضریب جمعیت برای کشور صادرکننده منفی و از نظر آماری معنی‌دار است و برای کشور واردکننده

مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است. متغیر $OPEN_{jt}$ معرف درجه باز بودن اقتصاد کشور واردکننده است. مقدار عددی ضریب این متغیر مثبت و از نظر آماری معنی‌دار بوده و موافق با انتظارات تئوریک است.

ضریب متغیر LINDER بیانگر تشابه اقتصادی شرکای تجاری است و علامت مثبت دارد، همچنین مطابق با انتظارات تئوریکی نبوده و از نظر آماری نیز معنی‌دار نیست. علامت مثبت این ضریب نشان می‌دهد یک درصد کاهش در شکاف درآمد سرانه، جریان‌های تجاری را به میزان $0/38000$ درصد کاهش می‌دهد. این به این معناست که کاهش شکاف میان ساختار اقتصادی شرکای تجاری ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی، از طریق نزدیک شدن درآمد سرانه، چندان جریان‌های تجاری میان آن‌ها را گسترش نمی‌دهد.

قدرت توضیح‌دهندگی مدل برابر $0/52$ است، یعنی 52 درصد از تغییرات متغیر X_{ijt} توسط متغیرهای مستقل ذکر شده در مدل توضیح داده می‌شوند.

۸-۲. تخمین مدل دوم

برای انتخاب این که در تخمین مدل دوم از روش ترکیبی یا داده‌های تابلویی استفاده شود، از آزمون F لیمر استفاده شده است. همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد مقدار آماره F لیمر $20/00$ و احتمال آن صفر به دست آمده که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر ترکیب بودن داده‌ها، رد می‌شود.

همچنین، برای تشخیص این که در برآورد داده‌های تابلویی از روش اثر ثابت یا اثر تصادفی استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود که مقدار این آماره $6/06$ با احتمال $0/1080$ به دست آمده است؛ لذا فرضیه صفر مبنی بر انتخاب روش اثر تصادفی تأیید نشده و استفاده از روش اثرات ثابت توصیه می‌شود.

جدول ۲- نتایج برآورد مدل دوم به روش اثرات ثابت

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
Constant	۱۵۲۹۴۰	۶۶۶۰۰/۰۰	۲/۳۰	۰/۰۲۳
Lgdpi	۱/۰۷۷۰۰۰	۰/۲۹۴۶۰۰۰	۳/۶۵	۰/۰۰۰
Lgdpij	۱/۳۹۲۰۰۰	۰/۳۵۷۸۰۰۰	۳/۸۹	۰/۰۰۰

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
Lpopi	-۲/۳۱۷۰۰۰	۴/۷۴۱۰۰۰	-۰/۴۹	۰/۶۲۵
Lpopj	-۳/۲۷۵۰۰۰	۴/۵۸۰۰۰	-۰/۷۱	۰/۴۷۶
Lopenj	۰/۲۱۱۰۰۰	۰/۱۴۶۹۰۰۰	۱/۴۴	۰/۱۵۲
Ldisij	-۲۱۹۰۰	۹۵۶۹/۰۰۰	-۲/۳۰	۰/۰۲۳
Lxij	۰/۱۵۸۵۰۰۰	۰/۱۳۳۴۰۰۰	۱/۱۹	۰/۲۳۶

$$F(7,233) = 21.83 \quad \text{Prob} > F = 0.0000 \quad F_{\text{leamar}}(29, 233) = 20.00 \quad \text{Prob} > F = 0.0000$$

منبع: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

نتایج برآورد مدل دوم به روش اثرات تصادفی در جدول شماره (۳) آمده است. مقدار عددی $\chi^2(7)=172$ Wald با احتمال صفر نشان‌دهنده معناداری رگرسیون است. نتایج تخمین نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی کشورهای صادرکننده و واردکننده، علامت مثبت داشته و از نظر آماری در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد معنادار است. به گونه‌ای که یک درصد افزایش در GDP_i و GDP_j ، به ترتیب افزایش شکاف درآمدی به میزان $1/0.9$ و $1/10$ درصد را به دنبال دارد. متغیرهای POP_i و POP_j نیز علائم مورد انتظار را دارند ولی از نظر آماری معنی‌دار نیستند. افزایش هردو متغیر، کاهش شکاف درآمدی موجود میان دو شریک تجاری را به دنبال دارد. میزان این آثار به ترتیب $1/7$ درصد و $1/67$ درصد کاهش در شکاف درآمدی در ازای یک درصد افزایش در جمعیت کشور صادرکننده و واردکننده است. متغیر $OPEN_{ij}$ معرف درجه باز بودن اقتصاد کشور واردکننده است. مقدار عددی ضریب این متغیر مثبت بوده و موافق با انتظارات تئوریک نبوده و از نظر آماری هم معنی‌دار نیست. این نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در درجه باز بودن کشور واردکننده، باعث افزایش $0/10.9$ درصدی شکاف درآمد سرانه دو شریک تجاری می‌شود. X_{ij} معرف جریان‌های تجاری است. افزایش جریان تجاری، شکاف درآمدی موجود بین دو شریک تجاری را کاهش داده و همگرایی درآمدی را به دنبال دارد، اما علامت مثبت ضریب این متغیر؛ تأییدکننده این مطلب نیست؛ به طوری که یک درصد افزایش جریان‌های تجاری به میزان $0/168$ درصد افزایش در شکاف درآمدی شرکای تجاری منطقه آسیای مرکزی را در پی دارد. این مقدار از نظر آماری معنادار نیست.

جدول ۳- نتایج برآورد مدل دوم به روش اثرات تصادفی

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
constant	-۹/۳۲۰۰۰	۴/۰۸۳۰۰۰	-۲/۲۸	۰/۰۲۲
lgdpi	۱/۰۹۲۰۰	۰/۲۰۱۵۰۰۰	۵/۴۲	۰/۰۰۰
lgdpj	۱/۱۰۳۰۰	۰/۲۳۷۴۰۰۰	۴/۶۵	۰/۰۰۰
lpopi	-۱/۷۱۳۰۰	۰/۴۴۲۷۰۰۰	-۳/۸۷	۰/۰۰۰
lpopj	-۱/۶۷۰۰۰	۰/۴۶۰۴۰۰۰	-۳/۶۳	۰/۰۰۰
lopenj	۰/۱۰۹۱۰۰۰	۰/۱۳۲۱۰۰۰	۰/۸۳	۰/۴۰۹
ldisij	۱/۵۵۴۰۰	۰/۶۵۱۹۰۰۰	۲/۳۸	۰/۰۱۷
lxij	۰/۱۶۸۶۰۰۰	۰/۱۱۹۴۰۰۰	۱/۴۱	۰/۱۵۸

Wald chi2(7)=172.00

Prob > chi2 = 0.0000

R2 = 0.50

منبع: یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش.

جمع‌بندی و ملاحظات

همان‌گونه که در این مطالعه بیان شد، قلمرو موضوعی تحقیق، بررسی امکان تشکیل بازار مشترک بین ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی است. موضوع تشکیل بازارهای مشترک از مهم‌ترین موضوعات مطرح در ادبیات اخیر تجارت بین‌الملل است، زیرا بعد اقتصادی یکی از ابعاد اصلی فرآیند جهانی‌شدن است، بنابراین مباحث پیچیده مربوط به جهانی‌شدن در این حوزه مطرح است.

برآورد الگوهای جاذبه تجاری، حاکی از آن است که تخمین‌های مقطعی و ترکیبی مدل جاذبه، تخمین‌های با اربابی از حجم تجارت دوجانبه ایجاد می‌کند، به این علت که روش استاندارد و سنتی OLS، ناهمگنی بین هریک از جفت کشورها را به‌عنوان واحدهای انفرادی در نظر نمی‌گیرد، در صورتی که عوامل سیاسی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و... سطح تجارت دوجانبه را تحت تأثیر قرار داده و به متغیرهای جاذبه الگو (یعنی GDP، جمعیت و...) وابسته‌اند؛ به‌همین دلیل، نتایج آزمون F در هر دو مورد الگوی جاذبه، نشان می‌دهد که نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر برابری اثرات انفرادی را پذیرفت. پس امکان

ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی وجود ندارد. تخمین‌های بین‌گروهی نیز از اختلاف بین واحدهای انفرادی برخوردارند، اما از هرگونه اطلاعاتی در درون واحدهای انفرادی صرفه‌نظر می‌کنند. بنابراین باید یکی از دو روش اثرات ثابت یا تصادفی به‌عنوان روشی کارا برای برآورد مدل انتخاب شود. به این منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است. بر اساس نتایج و داده‌ها که رگرسیون ۵۰ درصد را در شرایط عادی مناسبات نشان می‌دهد، زمینه ایجاد تدریجی ترتیبات منطقه‌ای تجاری بین ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی مثبت ارزیابی می‌شود.

توصیه‌های سیاستی

- مذاکرات مربوط به ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای با کشورهای منطقه آسیای مرکزی باید به‌صورت مجزا آغاز شود و با کسب موافقت دو یا سه کشور و مدیریت مناسب فرصت‌ها در چارچوب این قراردادها، نظر مساعد کشورهای دیگر منطقه در میان‌مدت و درازمدت جلب شود.
- در زمینه ایجاد و یا افزایش ظرفیت خطوط انتقال و ترانشیپ انرژی کشورهای این منطقه از مسیر ایران به مشتریان انرژی این کشورها در خلیج فارس، اعتمادسازی و سرمایه‌گذاری شود.
- در کشورهایی که در منطقه آسیای مرکزی موقعیت مهم و ژئوپولیتیک دارند (از جمله ازبکستان و ترکمنستان و با هدف افزایش حداکثری حضور اقتصادی - سیاسی در این جمهوری‌ها و در اولویت قرار دادن این دو کشور در مبادلات اقتصادی منطقه) سرمایه‌گذاری ویژه‌ای با جدیت دنبال شود.
- فعالیت‌های سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های اقتصادی - بازرگانی ایران در هر یک از شهرهای مهم کشورهای این منطقه با رویکرد اقتصادی بلندمدت و با هدف سیاست‌گذاری‌های مناسب در ایجاد تدریجی زمینه‌های ترتیبات تجاری منطقه‌ای که از طریق مذاکره و گام‌به‌گام قابل دستیابی است، شدت گرفته و مجوزهای لازم به سهولت داده شود.
- نقش اقتصادی - سیاسی مسکو و جلب تمایل این کشور برای رهایی کشورهای

- آسیای مرکزی از مشکلاتی که حتی روسیه نیز راه‌حلی برای‌شان نیافته، در نظر گرفته شود.
- با دیپلماسی مسالمت‌آمیز به دولت‌های منطقه آسیای مرکزی تفهیم شود که برقراری ترتیبات تجاری منطقه‌ای با ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی، تاریخی حتی بسیاری از معضلات هویتی آنان را نیز رفع خواهد کرد.
 - با کمک دولت جمهوری اسلامی ایران تدابیر مناسبی برای بازرگانان (ترجیحاً برای بازاریابی مناسب) و همچنین مشارکت فعال بخش خصوصی در مسائل اقتصادی کشورهای منطقه آسیای مرکزی اتخاذ شود.
 - برای همکاری و سرمایه‌گذاری بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و همچنین تشکیل نقطه تجاری مشترک با آن‌ها، در منطقه بانک مشترک تأسیس شود.
 - در حال حاضر با توجه به عدم حضور و یا حضور نامناسب و ناکافی شعب بانک‌های ایرانی در منطقه آسیای مرکزی، نهادها و سازمان‌های اقتصادی فعال ایرانی در این منطقه برای انجام خدمات بانکی به افراد، شعب بانکی گشایش یابد.
 - با افزایش آگاهی به منافع همکاری‌های درون منطقه‌ای بین رهبران و نخبگان این کشورها و با توجه به سرخوردگی‌های اخیر آن‌ها از غرب، انعقاد قرارداد ترتیبات ترجیحی دو یا چندجانبه تسریع شده و در هر یک از این کشورها دفاتر مستقل همکاری‌های اقتصادی تأسیس شود.
 - اقدامات مقدماتی برای ایجاد ترتیبات ترجیحی منطقه‌ای، در زمینه حمل‌ونقل و مقررات گمرکی بین ایران و کشورهای منطقه، همچنین تسهیل مقررات ترانزیتی فراهم شود.
 - در حوزه سیاست خارجی به کشورهای آسیای مرکزی این پیام داده شود که دسترسی به خطوط لوله نفت و گاز و شبکه حمل‌ونقل ایران فرصتی برای رهاشدن از حلقه محاصره روسیه و بازی‌های روسیه، آمریکا و برخی کشورهای دیگر منطقه و همچنین دستیابی به سودهای عظیم صادرات نفت و گاز است.
 - تلاش برای برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی سالانه زمینه‌شناسایی هرچه بیشتر پتانسیل‌های دو و چندجانبه موجود بین ایران و کشورهای این منطقه

را فراهم کرده و هدف آن افزایش مبادلات منطقه‌ای در راستای ایجاد زمینه‌های مناسب ترتیبات تجاری منطقه‌ای و نهایتاً ظهور منطقه‌گرایی اقتصادی در شکل بازار مشترک است، این موضوع ضمن شناخت دقیق فرصت‌های گسترش همکاری‌های منطقه‌ای - اقتصادی، اهمیت و جایگاه مناسب و ارزان کشورمان را برای مشتریان کالاهای این کشورها خاطر نشان می‌سازد.

- ارزیابی دوره‌ای شرکت‌های صادراتی در زمینه صادرات و واردات بهترین کالا بین ایران و منطقه آسیای مرکزی و حمایت و در نظر گرفتن مشوق‌های لازم برای آنان یکی دیگر از توصیه‌های سیاستی این مقاله به‌شمار می‌آید. استفاده از مشوق‌های مناسب مالی و غیرمالی سرمایه‌گذاران دوطرف را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مکمل تشویق می‌کند.
- شناسایی دقیق مزیت‌های نسبی ایران در زمینه فرصت‌های ذکر شده در این پژوهش نسبت به سایر رقبا و تبیین و یادآوری مداوم آن‌ها برای کشورهای منطقه و همچنین استفاده از فنون بازاریابی الکترونیک و تبلیغات اینترنتی با راه‌اندازی سایت‌های خبری که آخرین اطلاعات بازارهای مناسب برای کالاهای دو طرف منطقه را ارائه می‌دهند از دیگر توصیه‌های سیاستی قلمداد می‌شود.
- اتخاذ راهبردهای مناسب در خصوص مارک تجاری کالاهای ایران و کالاهای کشورهای مذکور برای کاهش سوءاستفاده‌های احتمالی رقبا به‌لحاظ کیفیت ضعیف‌تر و حاکم شدن دیدگاه اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات متقابل کشورهای منطقه آسیای مرکزی که با تدوین یک برنامه میان‌مدت و بلندمدت در جهت استفاده از فرصت‌های ذکر شده امکان‌پذیر خواهد بود یکی دیگر از رویکردهای بسیار مؤثر محسوب می‌شود.

منابع

آذربایجانی، کریم و حسین کریمی هسنیجه، (۱۳۸۲)؛ «جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی و مناسب‌ترین ترتیبات تجاری - منطقه‌ای برای اقتصاد ایران (فرصت‌ها و چالش‌ها)»، پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

ابوالوردی، مجید (۱۳۸۷)؛ «سایه مرگ بر اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی»، نشریه روند اقتصادی، شماره ۱۳، ص ۱-۳.

بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۵)؛ «امکان‌سنجی تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی کارآمد در سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۳۰-۱۰۷.

بهجت، جودت (۱۳۸۰)؛ «امنیت نفت در هزاره جدید؛ ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی»، ترجمه قدیر نصری مشکینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۶، صص ۱۷۹-۱۷۰، خرداد و تیر.

پورمقیم، سید جواد (۱۳۸۲)؛ تجارت بین‌الملل؛ نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی، تهران، نشر نی. تیوشو، کویی (۱۳۸۸)، «اقتصاد و ژئوپلیتیک آسیای مرکزی»، ماهنامه مناطق آزاد، شماره ۱۰۴، صص ۲۸-۳۱.

حسینی، میرعبدالله (۱۳۸۶)؛ آثار ترتیبات تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو آکو بر توسعه تجارت ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

حقی، محمدعلی (۱۳۶۷)؛ «تضادهای موجود برای تشکیل بازار مشترک اسلامی از دیدگاه اقتصادی»، گزارش سمینار ویژه بازار مشترک اسلامی، گردآوری سهراب شهابی، تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۸۵-۹۹.

شایق، سیداحمد (۱۳۶۷)؛ «بحث درباره مفاهیم پایه‌ای بازار مشترک»، گزارش سمینار ویژه بازار مشترک اسلامی، گردآوری سهراب شهابی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۰۴-۱۰۰.

شهابی، سهراب (۱۳۶۷)؛ «شرایط و معیار موفقیت هم‌پیوندیهای اقتصادی در کشورهای جهان سوم»، گزارش سمینار ویژه بازار مشترک اسلامی، گردآوری سهراب شهابی، تهران، دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۶۹-۱۵۳.

شعيب، بهمن (۱۳۸۸)، «افق همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی»، روزنامه جوان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۴.

صادقی تهرانی، علی (۱۳۶۷)؛ «زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بسط همکاری‌های اقتصادی و ایجاد بازار مشترک اسلامی»، گزارش سمینار ویژه بازار مشترک اسلامی، گردآوری سهراب شهابی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۲۶-۱۱.

صادقی یارندی، سیف‌الله و میترا حسینی سبزواری (۱۳۸۵)؛ «بازار مشترک اسلامی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مجموعه مقالات همایش بازار مشترک اسلامی، اصفهان، صص ۲۴-۱، آذرماه. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰)؛ تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،

کولایی، الهه و محمد مودب (۱۳۸۶)؛ «اکو و تجارت منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره دوم، صص ۶۶-۵۵، تابستان.

مرتضی، محمد (۱۳۷۷)؛ «البعء الاقتصادي للصراع في آسيا الوسطی»، ترجمه م. باهر، نشریه ترجمان اقتصادی، شماره ۲۷، صص ۷-۶.

میریدی، سیاوش و علیرضا نوروبی (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران، انتشارات آگاه.

بروجردی، محمد (۱۳۸۶)؛ «منطقه‌گرایی اقتصادی»، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، برگرفته از: www.did.ir/pp00020073609512909.

«روابط اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی (۱۳۸۸)»؛ برگرفته از سایت معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی به نشانی:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=08&depId=44&semId=166>

محمد رضا علیپور (۱۳۸۸)؛ «روابط اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، برگرفته از: http://hamandishi.net/2010/index.php?option=com_content&task=view&id=1118

«مشهد: مشکل حمل‌ونقل علت‌کندی توسعه روابط تجاری با کشورهای آسیای مرکزی

برگرفته از: (۱۳۸۹)»

http://mashhadccim.com/index.php?option=com_content&view=article&id=52:1389-08-09-04-26-40&catid=52:1389-06-03-06-01-45&Itemid=10

Baltagi, H.B. (2005); *Economic Analysis of Panel Data*, Third Edition, John Wiley & Sons, Ltd. USA.

Byrd, William And Martin Raiser (2006); "Economic Cooperation in the Wider Central Asia Region", From: [http://siteresources.worldbank.org/INTSOUTHASIA/556101-1101747511943/21363080/Wider CA Working Paperfinal.pdf](http://siteresources.worldbank.org/INTSOUTHASIA/556101-1101747511943/21363080/Wider_CA_Working_Paperfinal.pdf).

Dean, Kevin Robert (2002); "Islamic Common Market", From :[http://independent-bangladesh.com/News/aug/06/06082001 mt. htm#A3](http://independent-bangladesh.com/News/aug/06/06082001_mt.htm#A3).

Dittmer, lowell (2007); "Central Asia and Regional Power", *China and Eurasia Froum Quarterly*, Vol. 5, No. 4, p.7-22, Avillable at: <http://www.isdp.eu/files/publications/cefq/07/ld07centralasia.pdf>.

Hoa, T.V. (2003); "Growth of Asian Regional Trade and Income Convergence: Evidence from ASEAN+3 on Extended Helpman-Krugman Hypothesis and Flexible Modelling Approach", *Economics Working Paper Series*, Avillable at: <http://ideas.repec.org/p/uow/depec1/wp03-02.html>.

International Monetary Fund: Direction of Trade Statistics Yearbook, (2005 & 2007); Washington .D,C. Imf publication, Agust.

"Islamic Common Market Proposed", (2008); from: <http://www.bilaterals.org/article.PHP?id-article=2855>.

Marat, Erica (2009); "Labore Migration In Central Asia, Implications for the Global Economic Crisis", From: <http://www.silkroadstudies.org/new/docs/silkroadpapers/0905migration.pdf>.

Rosemarie, Forsythe (1996); "The Politics of Oil in the Caucasus and Central Asia", *Adelphi Paper*, No 300, , p. 6., May, Avillable at: www.tesionline.com/intl/references.jsp?id=11170.

Schriek, Daan Vandar (2002); "Kyrgyz Official Calls for Common Central Asiamarket"; from: <http://www.eurasianet.org/lindex.shtml>.

Pomfret, Richowd (1999); "Central Asia Turns South? Trad Relations in Transition", The Royal Institute of International Affairs, Chatmanhouse; London.

Tayyebi, S.K. and M. Moallemi (2003); "Possibility of Trade Integration among Selected Islamic Countries", *Iranian Economic Review*, Vol. 8, No.9, pp.91-105.